

در متن زیر کلمات نادرست را پیدا کن و درست آن‌ها را در محل مشخص شده بنویس.

۴

زنگ تفریه به پایان رسید. دانش آموزان با نزم و ترتیب به سب کلاس‌ها حرکت کردند. بچه‌های کلاس سوم، بی‌سیرانه منتظر مرتبی بهداشت بودند، چون قرار بود با راهنمایی او، یک روزنامه‌دیواری به مناسبت «هفتگی سلامت» آماده کنند.



تفریح - نظم - بی‌سیرانه

با حروف به هم ریخته سه کلمه بساز و با هر یک جمله‌ای بنویس.

۵



ضبط و صوت

پدر بزرگ من با ضبط صوت آهنگ گوش می‌دهد.

صحبت

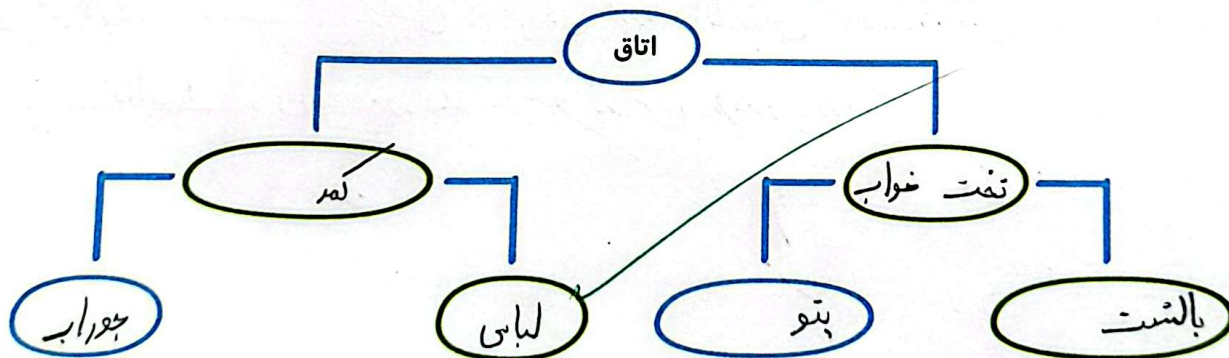
من در گروه خود با حسین صحبت کردم.

ترقه

در شب چهارشنبه موسیقی ترقه زدن باعث آلودگی صوتی می‌شود.

یک درخت شبکه‌ای معنایی برای کلمه‌ی «اتاق» بساز.

۶



با توجه به سؤالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: در متن زیر چند کلمه‌ی نادرست وجود دارد؟

«ممكن است شما به سرو صدا ^{آدیت} کرده باشید، اما آلودگی ^{صوتی} سوتی باعث خستگی می‌شود و دقت شما را برای درس خواندن و گوش دادن به ^{صحبت} صحبت‌های دیگران کم می‌کند.»

۴ (۴)

۱ (۳)

۳ (۱)

۲ (۱)

ب: کدام مورد دآلودگی صوتی، محسوب نمی‌شود؟

(۴) صدای آژیر پلیس

(۳) صدای پرندگان

(۲) صدای کارخانه‌ها

(۱) صدای ماشین‌ها

پ: نویسنده‌ی داستان «مورچه ریزه، کیست؟

(۴) مژگان بابامرندی

(۳) بیوک ملکی

(۲) بهاره نیکخواه آزاد

(۱) سرور کتبی

ت: مشکل مورچه ریزه بود.

(۴) ضعیف بودن چشم

(۳) بد اخلاقی

(۲) درس نخواندن

(۱) شیطنت

ث: در کدام جمله نشانه‌های نگارشی اشتباه است؟ (علامت بزن)

(۲) آقا بزرگ! ناهار حاضر است.

(۱) مرد فروشنده، زیر لب گفت: «هر چه کنی به خود کنی.»

(۴) انسان در به وجود آمدن آلودگی صوتی تأثیر زیادی دارد.

(۳) چرا باید قبل از غذا دستهایمان را بشوئیم.

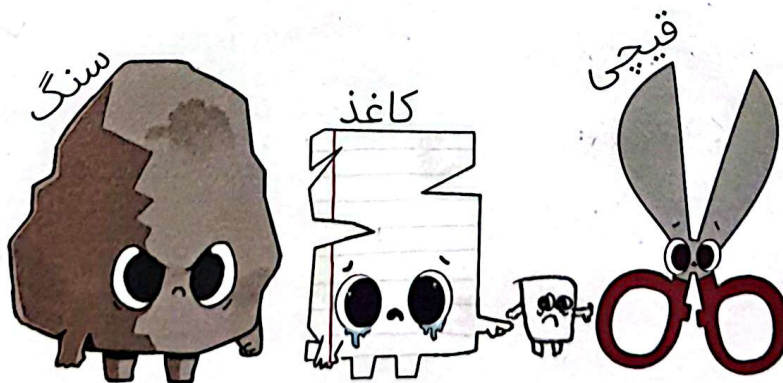
ج: «هر چه کنی به خود کنی، یعنی:

(۱) نتیجه‌ی هر کاری که انجام می‌دهیم، بالاخره به خودمان برمی‌گردد.

(۲) هر کس هر کاری انجام دهد، دیگران نتیجه‌ی آن را می‌بینند.

(۳) می‌توانیم با کارهایمان دیگران را گول بزنیم.

(۴) هیچ‌کدام



خوانش و پردازش



متن زیر را با دقت بخوان و به سؤالات پاسخ بده.

۹

مردی در بازارچه‌ی شهر حجره‌ای داشت و پارچه می‌فروخت. او شاگردی خوب و مؤدب داشت که کسی خجالتی بود. روزی مرد بیمار شد و نتوانست به دکانش برود. به همین خاطر شاگرد در مغازه را باز کرد. قبل از ظهر به او خبر رسید که حال تاجر بد است و باید دنبال دکتر برود. پسرک دکان را بست و دکتر را به منزل تاجر برد. پزشک پس از معاینه برایش دارو نوشت. پسرک دارو را خرید و به خانه برگشت. دیگر ظهر شده بود؛ همسر تاجر بسیار اصرار کرد و او را برای ناهار نگه داشت. همسر تاجر سفره را انداخت و کاسه‌های آش را آورد. تاجر برای شستن دست‌هایش به حیاط رفت و همسرش به آشپزخانه برگشت تا قاشق بیاورد. پسرک با خود فکر کرد، دستش را روی دهانش بگیرد و بگوید دندان درد دارد و برود، زیرا خجالت می‌کشید آن‌جا ناهار بخورد. تاجر به اتاق برگشت و وقتی پسر را دید که دستش روی دهانش است، به او گفت: «دهانت سوخت! چرا این قدر عجله می‌کنی؟ صبر کن آش سرد شود.»

الف: ضرب‌المثل مربوط به داستان را بنویس.

آنی نخور و دهان سوخته.

ب: تاجر در دکان چه می‌فروخت؟

پارچه

پ: چه اخلاقی در پسرک باعث این داستان شد؟

خجالتی بودن

ت: زن تاجر چه پخته بود؟

آنی

منبر از توفیق
۸/۱۵

درس پنجم

«بلدرچین و برزگر»

آموختنی‌ها

۱. خوداتکالی
۲. فراگیری کلمات هم‌نویس
۳. به کارگیری زمان حال و گذشته در فعل‌ها
۴. بند نویسی



جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

آشیانه: لانه
انتظار: صبر، صبربانی
برزگر: کتاووز
خویشان: جمع خویش، اقوام
درو: برداشت یا چیدن گیاهان
دهقان: کشاورز

کلمات مخالف

روزها ≠ شب‌ها
تیز ≠ کند
ماندن ≠ رفتن
خراب ≠ آباد

کلمات هم‌خانواده

کشت، کشتزار، کاشت
خطر، خطرناک، مخاطره

کشتزار: مینزرعه

صحرا: دشت

بلدرچین: بزرگ، بزرگه

صاحب: مالک

خراب: ویران

تکلیف: تکلیف

زود ≠ دیر

نشسته ≠ ایستاده

خویشان ≠ بیگانگان، غریبه

بزرگ ≠ کوچک

خویشان، خویش، خویشاوند

فهمیده، فهم، فهمیدن